

زمین لرزه در هائیتی بیش از صد هزار قربانی گرفت



امروز باز هم هائیتی بر روی صفحه تلویزیونها نقش بست. هائیتی کشور لعنت شده ای است که فقیرترین کشور جهان است، ولی این کشور اولین کشوری بوده است که انقلاب ضد برده داری مدرن را به سرانجام رسانده و برده داری را لغو کرد. هائیتی اما کشور دیکتاتورهای نظامی مورد پشتیبانی بزرگترین کشور دموکرات یعنی ایالات متحده نه ببخشید ایالات متحده آمریکا نیز بوده است. این مردم بخت برگشته این شانس نحس را داشته اند که همواره بعلت نزدیکی به قلدر جهان، از محبت مشت آهنین نظامیان آن طرف اقیانوس چانه اشان خرد شود. آری مثل این است که باید تا زندگی در این کشور ادامه دارد، باید تاوان اولین انقلاب ضد برده داری فرزندان آن نفرین شده ها به جهان متمدن بپردازند. بلی امروز رهبران جهان متمدن از باراک اوبامای که اولین سال ریاست خویش را بر کاخ با بیشترین کشته در افغانستان از زمان سرنگونی طالبان پشت سر گذاشت تا گردون برون که حزب اش در بدترین وضعیت پنجاه ساله اخیر روزگار می گذراند و بعبارتی دیگر سراربابان جهان کنونی و جهان قدیم اشک تماس ریختند و دستور کمک به زلزله زدگان هائیتی صادر کردند. امروز یک مسئله دیگر هم روشن شد و ان اینکه این مردم هنوز خودشان را نمی توانند اداره کنند و باید نیروهای نظامی از چهارگوشه جهان سرمایه لطف نموده و خیابانهای پرت او پر اینس را قروق کنند و از فریاد شکم های باد کرده از گل رُس جلوگیری نمایند.

امروز طبیعت هم بر علیه این نفرین شدگان، این مصدومین چکمه های سربازان سرمایه دست به کار شد و بیش از صد هزار انسان را به کام مرگ کشاند و از زندگی لعنتی نجاتشان دادند و زیر دیوارهای گلی ساخته شده در دامن کوه مدفونشان کرد.

چند سال پیش یعنی زمانی که نظامیان هائیتی بر علیه رئیس جمهوری منتخب این مردم کودتائی را با کمک و مساعدت آمریکا سازمان دادند. مقاله ای در روزنامه عصرانه سوئد افنون بلادت به چاپ رسیده بود و من آنرا ترجمه نموده و منتشر کردم. فکر کردم که ان نوشته می تواند، کمکی باشد تا تشخیص دهیم که این همه کشته های امروز هائیتی تا چه اندازه تقصیر طبیعت زخم خورده از حرص و آز سرمایه است و تا چه اندازه خود سیستم سرمایه و سردمدارانش مقصر درجه اولند. کلینک زیر آدرس مقاله است.

هائیتی، آن بهشتِ نفرین شده

http://wsu-iran.org/azad/hg_haecti.htm

ادواردو گالی آنو (Eduardo Galeano)

برگردان: حمید قربانی



اخبار متناقض بسیاری از هائیتی فاجعه دیده می‌رسند. برخی‌ها می‌نویسند که سیل کمک‌های مادی و معنوی به سوی هائیتی سرازیر شده‌اند. با خواندن و دیدن این اخبار انسان فکر می‌کند که چقدر سردمداران جهان کنونی از سود سرمایه صرف نظر نموده و به فکر انسان افتاده‌اند. انسان شاد می‌شود و فکر می‌کند که نکند که گریه هم عاید شده باشد. اما به یک باره تمام این شادی و خوشحالی نقش بر آب می‌شود، هنگامی که دوربین تلویزیونی آگاهانه یا ناآگاهانه چهره‌های وحشت زده را نشان می‌دهد که برای کمک فریاد می‌کشند و یا مردی رامی‌بیند که خویش را از زیر خروارها خاک بیرون کشیده و با پای شکسته فریاد می‌کشد و کمک می‌طلبد. زمانی که دستی را می‌بیند که از پشت دیواری بیرون آمده یا جیب انسانی را می‌شنود که به یاری نیاز دارد. من با دیدن و خواندن گزارشاتی مثل گزارش زیر که بعد از بیش از ۵۰ ساعت از وقوع زلزله هائیتی که به قولی بیش از صد هزار و به قول دیگر دهها هزار کشته به جا گذاشته است، نوشته شده است، از خود می‌پرسم که آیا اگر کارگران و مردم هائیتی و یا نقطه‌ی دیگری از این جهان برای سرنگون کردن حکومت جبارشان و نابودی نظامی که این همه فقر را بر ایشان تحمیل کرده که باید در این عصر با گاری زخمی‌ها را جا به جا کنند، قیام کرده بودند، مالکیت خصوصی به خطر افتاده بود و دولت کشور مزبور تقاضای کمک کرده بود، باز هم سرکردگان و حاکمان جهان این نوع رفتار و عمل می‌کردند؟ و آیا به طور واقعی با امکانات موجود نمی‌شود طور دیگری عمل نمود؟

واقعیات تا کنونی که خلاف این را نشان داده‌اند. بارها شاهد بوده‌ایم که با چه سرعتی نیرو و نظامی و غیره در یک کشور امریکای لاتین و افریقائی و یا جای دیگری حتی جنگل‌های بولیوی و کامبوج و اندونزی و یوگسلاوی و هر جای دیگری که منافع شان و باضطلاح امنیت "ملی" شان به خطر افتاده و ایجاب نموده پیاده کرده‌اند. مردم به تنگ آمده‌را به بهانه حفظ نظم و حفظ جان دیپلماتها و تبعه کشورشان به رگیار بسته و قیام تولیدکنندگان اصلی نعم مادی و گرسنگان امروز را خاموش کرده‌اند. ما دیدیم که چگونه در یک آن نیروی نظامی با آن همه تجهیزات و به آن عظمت در خلیج برای عملیات نظامی بر علیه مردم عراق پیاده کردند. آری اینکه انسان بخت برگشته هائیتی که فقط مرده و یا زنده اش ارزشش افزودن بر سود سرمایه داران است، ضجه می‌کشد و خیابانهای شهر را از زور

خشم و ناچاری، از بی آبی و بی غذایی و بی داروئی با مرده های خویش بلوکه می کند، چه رنجی می کشد، چندان اهمیتی ندارد. دهها و بلکه صد ها سال است که توده ی مردم از هائیتی گرفته تا گنگوی بر از اوایل، از هیروشیما و ناکازاکی تا مردم حلبجه در کردستان عراق، از میدان ورزشی شیلی و میدان تی آمین چین تا خیابانهای اسلام آباد و تهران و از گوانتانامو و ابوغریب گرفته تا کهریزک در جنوب تهران، سونامی جنوب آسیا تا زلزله بم، از طوفان کارولینای آمریکا تا سیل و طوفان در بنگلادش، میلیونها انسان در فجایع بوجود آمده "طبیعی" و یا مستقیم در بمبارانهای اتمی و شیمیایی بدست جانیان سرمایه کشته می شوند و زجر می کشند و به انحای مختلف جان می بازند. چاره کار یک انقلاب است که در آن کارگران تمام زجرکشیدگان و ستم دیدگان را زیر رهبری خود بسیج کنند و این نظم ضد طبیعت و ضد انسان را زیر و رو کنند و گرنه هر روز اوضاع بدتر از روز پیش برای میلیونها کارگر و زحمتکش به نفع تعدادی زالو صفت سرمایه دار می شود.

به ترجمه گزارش زیر توجه کنید.

دیوار از مرده ها بر علیه دیر کرد کمک

خبر گزار رسمی سوئد تی تی (TT)

۱۵ ژانویه ۲۰۱۰



مردی که خود را نجات داده است.

در حالیکه (۵۰ ساعت بعد از وقوع حادثه زمین لرزه - مترجم) کمک های بین المللی برای ورود به پایتخت هائیتی آماده شده اند، مردم از جان گذشته و سرگردان در خیابانهای پرت آو پرینس که سخت ترین صدمه را از زلزله سه شنبه شب به وقت سوئد دیده است، دیوارهایی از مرده را بر ضد دیر کرد کمک رسانی بر پا می کنند. آنها مرده ها را بر رویهم انبار کرده اند. یک شاهد عینی

آقای شولد شوارز عکاس مجله تایم می گوید که او حداقل در خیابانهای پایتخت دو تا از این دیوارها را دیده است. اما، در حالیکه بیش از دوشبانه روز از وقوع فاجعه زمین لرزه گذشته است دهها هزار

انسانی که جان سالم به در برده اند، از دارو، آب آشامیدنی، غذا و همچنین وسائلی که بوسیله آن بتوانند حداقل زنده و یا مرده هایشان را از زیر آوار بیرون آورند، محروم هستند.

خیلی ها خیابان به خیابان برای پیدا کردن دارو، مواد غذایی و قطره ای اب که بتوانند تشنگی خویش را با آن رفع نمایند، طی می کنند. دیگران به مغازه ها جمله ور می شوند، این در حالی است که نیروهای پلیس خیابان را پر کرده اند، برای اینکه دارائی خود را حفظ نمایند و یا مرده های خود را دفن کنند.

این عکاس در عین حال به روزنامه نگاران می گوید که چادرهای زیادی برای ایجاد اردوگاه موقت در همه خیابانهای پرت آو پرینس و والرئ لوئیس دیده است.

- انسان های مهربان با همه وسائلی که می توانید به این انسانها کمک کنید. آنها نه آب، نه غذا و نه دارو دارند. هیچکس به ما کمک نمی کند-

هنوز هم تکانهای شدید بعد از زلزله می آیند و مردم وحشت زده از ساختمانها به خیابانها می گریزند. در اطراف شهر مرده های بو کرده در خیابانها بر روی هم تلنبار شده اند و این وضعیت خیلی ناهنجار و بدی رابه وجود آورده است. اطراف یک مرده شویخانه در حدود ۱۵۰۰ پیکر دفن نشده روی هم انبار شده اند. کیسه های جمع آوری مرده تمام شده اند، اما صلیب سرخ قول آوردن کیسه های زیادی را داده است.

تعداد تلفات این زلزله که یکی از بدترین فجایع صد ساله اخیر است، هنوز نامعلوم است. اما فدراسیون جهانی صلیب سرخ احتمال مردن بین ۴۰ تا ۵۰ هزار انسان را می دهد. خود سازمان صلیب سرخ هائیتی نیز چنین رقمی را احتمال می دهد و می گوید که در حدود ۳ میلیون از ۹ میلیون جمعیت کشور بر اثر این فاجعه صدمه دیده و یا بی خانمان شده اند. رئیس جمهور می گوید که ما تا کنون ۷ هزار مرده را در گورهای دسته جمعی دفن نموده ایم.

اما، نجات دهندگان احتمال می دهند که رقم مردگان خیلی بیش از این تعداد باشند.

به گفته پائول کودمیر امریکائی که یک خانه برای بچه های بی سرپرست را به وجود آورده است که در آن ۳۰۰ کودک نگه داری می شوند، ۲۴ ساعت آینده، ساعات خیلی حساس و بدی خواهند بود.

البته در این گزارش از سرازیر شدن کمک های جهانی نیز گفته می شود. حتی نوشته شده که کشتی جنگی امریکائی کارل ویلسون با بیش از ۵ هزار سرباز با نوزده هلی کوپتر برای رساندن زخمی ها و صد میلیون دلار برای کمک به بازماندگان در راهند و قول یک کنفرانس بین المللی برای بازسازی کشور هائیتی نیز در گفتگوی تلفنی بین رئوسای جمهور آمریکا و فرانسه داده شده است.

ولی آیا می شود واقعا قبول کرد که این سربازان نه برای حمله به مردمی که برای سیر کردن شکم شان به سوپر مارکت ها و مغازه های مواد غذایی و غیره یورش می برند، بلکه برای کمک آمده باشند؟ واقعیات تا کنونی حتی در سیل و طوفان ایالت کارولینای آمریکا نیز خلاف این را نشان داده اند.

حمید قربانی

۲۰ ژانویه دو هزار و ده